

گرفته‌اند.»^{۱۱} نقش شطرنج بر روی نمدها اگرچه ریشه‌ی باستانی دارد، ولی جنبه‌ی تزئینی دارد.

گل

گل یا به صورت تک گل و یا شاخه‌ای با دو یا سه گل، در هر صورت هر گلی به امشاسپندی نسبت داده شده و هر گل سمبلی از یک جشن ماهانه بوده است. برای مثال یاسمن سفید از آن بهمن ماه، گل مرزنگوش ویژه‌ی اردی‌بهشت ماه، بیدمشک مخصوص اسفندماه، یاسمن به خردادماه، گل زنبق به مرداد، گل شاسپرغم و ریحان به شهریورماه اختصاص داشته است. امروزه گل در باور ایرانیان صورت دیگری یافته است. برخی گل‌ها و گیاهان به اعتباری تقدس پیدا کرده‌اند. به عنوان مثال، گل یاسمن خاص حضرت زهرا (س) است و گل سرخ محمدی حاصل چند قطره عرقی است که از صورت پاک حضرت رسول (ص) بر زمین چکیده است.

پانویست‌ها:

- ۱- پرویز ورجاوند، کاوش رصدخانه‌ی مراغه و نگاهی به پیشینه‌ی دانش ستاره‌شناسی در ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶، صص ۹۱۰
- ۲- داریوش شایگان، آسیا در برابر غرب، تهران: باغ آینه، ۱۳۷۱، صص ۲۶۱-۲
- ۳- شایگان، همان، صص ۲۶۱-۲
- ۴- مونیك دوبوكور، رمزهای زنده‌ی جان، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز چاپ اول ۱۳۷۳، صص ۳۹ - ۸ و نیز: مهدخت پورخالقی چترودی «درخت در آینه فرهنگ» روزنامه همشهری، سه‌شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۷۸، سال هشتم، شماره‌ی ۲۰۷۱ و نیز: مهرداد بهار، ۱۳۷۷، از اسطوره تا تاریخ، گردآورنده، ابوالقاسم اسماعیل‌پور تهران: نشر چشمه، صص ۴۸ - ۴۲
- ۵- برای اطلاع بیشتر ر ک: مونیك دوبوكور، همان صص ۴۱ - ۵۷
- ۶- بند سی و نهم بهرام یشت.
- ۷- ر ک، حمید نیر نوری، ۱۳۴۴، تاریخچه‌ی بیرق ایران و شیر و خورشید، تهران، بی‌نا، صص ۱۱ و ۱۲
- ۸- مهر یشت، بند ۱۲۸ و ۱۳۶
- ۹- درباره اسب ر ک: دکتر علیرضا شاپور شهبازی، «اسب و سوارکاری در ایران باستان» مجله باستان شناسی و تاریخ، نشر دانشگاهی، سال یازدهم سال اول و دوم، پاییز و زمستان ۷۵ و بهار و تابستان ۷۶، شماره پیاپی ۲۱ و ۲۲ تاریخ انتشار مرداد ۷۷، صص ۲۷. برای اطلاع درباره اسب، ر ک: ابراهیم پورداوود، فرهنگ ایران باستان، ج ۱، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۲۶، صص ۲۹۵-۲۲۰ - ibid.cooper.pp 62- 27
- ۱۰- نوروزنامه، منسوب به عمر خیام، طبع مجتبی مینوی، تهران، صص ۵۱-۵۵
- ۱۱- سیروس پرهام، قالی‌ها و دستبافه‌های عشایری و روستایی فارس، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱

اتنوموزیکولوژی

برونونتل
مجتبی خوش ضمیر

اتنوموزیکولوژی

برونونتل

مجتبی خوش ضمیر

نشر کتاب‌آفرین

آن گونه که به ما تاکنون تلقین شده بود، نقطه‌ی اوج علم موسیقی همانی بود که در غرب مدون شده بود، و موسیقی غربی را پیچیده‌ترین شکل موسیقی می‌دانستیم. اما این سؤال همواره مطرح بوده است که چرا موسیقی عربی، ترکی و... چنین پیچیده‌اند و اگر چندصدایی پدیده‌ای پیشرفته در موسیقی به شمار می‌آمده پس حضور آن را در موسیقی آفریقایی چگونه می‌شد توجیه کرد؟ این پرسش‌ها، شکستن اسطوره‌ی موسیقی کلاسیک غربی را نوید می‌داد که اتنوموزیکولوژی این مقام را از موسیقی غربی گرفت. در ایران شاید برای اولین بار، دکتر مسعودیه این پیام رسای اتنوموزیکولوژی را به گوش ایرانیان رساند.

کتاب اتنوموزیکولوژی یا روش بررسی و شناخت موسیقی اقوام و ملل در هفت فصل ارائه شده است.

به نظر می‌رسد اصطلاح اتنوموزیکولوژی ابتدا توسط یاپ کونست در مقابل موسیقی تطبیقی مطرح گردید. به باور یاپ کونست، اتنوموزیکولوژی بررسی و مطالعه‌ی موسیقی سنتی و سازهای موسیقی همه‌ی فرهنگ‌ها از بدوی تا پیشرفته است. به نظر او اتنوموزیکولوژی می‌تواند جامعه‌شناسی موسیقی و نحوه‌ی تأثیرپذیری متقابل فرهنگ‌ها بر یکدیگر را مورد پژوهش قرار دهد. بنابراین، این علم، مبتنی بر روش‌هایی است که در موزیکولوژی و مردم‌شناسی به کار گرفته می‌شود. هم‌چنین نقش اتنوموزیکولوژی را نمی‌توان در دو حوزه‌ی زبان‌شناسی و فرهنگ عامه نادیده گرفت و آشکار است که موسیقی شفاهی یکی از ارکان اساسی فولکلور به حساب می‌آید.

تل در کتاب خود ابتدا به قلمرو اتنوموزیکولوژی اشاره و نظریاتی چند درباره‌ی آن ارائه می‌دهد. در ادامه روند تاریخی، پیشینه‌ی موسیقی‌شناسی و مردم‌شناسی در آمریکا از قرن نوزدهم به بعد را موردتوجه قرار داده و بر این نکته اشاره می‌کند که اتنوموزیکولوگ‌های آمریکایی تا اواسط قرن بیستم خود را پژوهنده‌ی موسیقی بدوی و فولکلور می‌دانستند.

سپس منابع و مآخذ اتنوموزیکولوژی، آشنایی با پژوهشگران مطرح گذشته، آثار تک‌نگاری، اتنوموزیکولوگ‌های برجسته‌ی آمریکایی در فصل دوم بررسی می‌شوند. تل در این فصل معتقد است که اکثر اتنوموزیکولوگ‌های آمریکایی از شاخه‌ی مردم‌شناسی به اتنوموزیکولوژی گرایش یافته‌اند، چرا که آنها می‌خواستند نقش موسیقی را در فرهنگ جامعه شناخته و موسیقی را به لحاظ رفتارهای انسانی مورد بررسی قرار دهند.

تل آن‌گاه در فصل سوم به پژوهش در محل و مسافرت‌های پژوهشی جهت جمع‌آوری نمونه‌هایی از فرهنگ موسیقایی یک قوم پرداخته و پیشنهادهایی برای پژوهش در محل ارائه می‌دهد. در فصل چهارم به آوانویسی و نظریه‌های مختلف بر آوانویسی و پیشنهادهایی به آوانویسان، روش پیشنهادی و آوانویسی اتوماتیک و... پرداخته، و در فصل پنجم و ششم کمپوزیسیون‌های موسیقی و سه روش برای تشریح و ماهیت بررسی می‌شود. در فصل پایانی نیز سازها، کاتالوگ‌ها و موزه‌ها موردتوجه قرار می‌گیرد.

تل می‌گوید: گردآوری سازهای موسیقی به خوبی انجام شده، اما باید اتنوموزیکولوگ‌ها به کاتالوگ کردن آنها، عکس برداری کامل و تشریح آنها بپردازند؛ مهم‌تر آن که اطلاعات لازم در رابطه با موسیقی سازی و روش نواختن آلات مختلف موسیقی و شیوه‌ی یادگیری و آموزش فنون اجرا و نواختن آنها ارائه گردد. این کتاب بی‌تردید یکی از منابع اساسی در قلمرو اتنوموزیکولوژی و شکل‌شناسی سازها و چگونگی زندگی اقوام گوناگونی است که نتل به آنها اشاره می‌کند.